



# امارت اسلامی افغانستان

وزارت ارشاد، حج و اوقاف

ریاست ارشاد و انسجام مساجد



موضوع خطابت روز جمعه

و تقریر و بیان تحریر شده که به تمام خطباء مرکز و ولایات

به هر دو زبان ملی کشور (دري و پشتو) ارسال میگردد

۷ / رجب المرجب / ۱۴۴۵ هـ، ق ۲۹ / جدی / ۱۴۰۲ هـ، ش

## اجتناب از مسخره کردن ، عبثیات و گفتار و کردار بیهوده

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي حث بحفظ اللسان، وجعل استقامته دليلاً على الإيمان، والصلاة والسلام على سيدنا محمد أعظم إنسان، صلى الله عليه و على آله وأصحابه الأعيان، أما بعد:

قال الله عزوجل: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِنْ نِسَاءٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ بِئْسَ الْأَسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَمَنْ لَمْ يَتُبْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ) الحجرات: (۱۱)

**حضار محترم!**

هر آن مزاح و تمسخریکه در آن توهین مسلمان صورت گیرد، یا در آن سخن دروغ، یا الفاظ غلط و ناروا باشد که به شخصیت مسلمان مناسب نباشد، یا بخاطر خندانیدن مردم و یا اینکه آنرا وظیفه اساسی زندگی خود قرار داده که بواسطه آن امورات زندگی خود را درست میکند و یا بواسطه آن مشکلات اقتصادی خود را حل میکند؛ پس همچنین مزاح ها و خنده نمودن ها ناروا و حرام است.

در شرایط امروزی هم بعضی مردم به اینچنین مزاح ها، مسخره گی ها، کارها و سخن های بیهوده مبتلاء اند که این کارها با اسلام در تضاد است، مثل: توهین کردن مسلمان، دشنام دادن و غیره سخنان ناروا که همه اینها از شریعت محمدی بیرون اند.

حتی بعضی مردمی اند که در مزاح خود به اسلام و قرآن توهین میکنند، الفاظ کفری استعمال میکنند، به علم توهین میکنند و به دین طعنه میزنند، این طبقه مردم به سرحد کفر خود را نزدیک کرده اند.

در بعضی مناطق عادت و رواج است که بعضی مردم محفلی را آماده میکند و در آن مردمی را دعوت میکند که آنها مزاحی و مسخره کننده گان هستند که به یک دیگر تمسخر میکنند و مردم در اطراف آنها نشستند و به سخنان ایشان میخندند، که هدف از این نوع مزاح ها صرف خندانیدن مردم بوده و به سخنان ناروا طبیعت خود را خوشحال میکنند که در باره این طبقه مردم وعید سختی آمده است.

و باید یاد آور شویم آن مزاحیکه در آن تمسخر به مردم، توهین به مسلمان و دروغ در آن نباشد و سبب از برای خندانیدن مردم نباشد و آنرا عادت خود قرار ندهد، الفاظ ناروا در آن نباشد پس این نوع مزاح ها حرام نیستند بلکه روا اند، البته تمسخر کردن به هر حالت ناروا است زیرا که در بین مزاح و تمسخر تفاوت است.

## حرمت تمسخر، سخنان و کارهای بیهوده و عبث در نصوص شرعی:

تمسخر کردن، مزاح نمودن و مجالس عبث و بیهوده را دایر کردن در شرایط فعلی در اکثر مهمان خانه ها و مجالس بخصوص در بین جوانان عادت گردیده است که این کار یک گناه بزرگ است زیرا الله تعالی از تمسخر کردن یکی بر دیگر و مزاح ها منع کرده است و به ما مناسب است که از آنچه که ما را منع کرده است خود را حفاظت کنیم . الله تعالی فرموده است: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرُ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِنْ نِسَاءٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ بِئْسَ الْأَسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَمَنْ لَمْ يَتُبْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ) الحجرات: (۱۱)

ترجمه:- ای کسانی که ایمان آورده اید نباید گروهی از مردمان شما گروه دیگر را مسخره کند شاید آن گروه (مسخره شده) از این مسخره کننده گان بهتر باشند و نباید زنانی، زنان دیگر را مسخره کنند شاید آن زنان از این زنان مسخره کننده بهتر باشند و همدیگر تان را عیب جویی مکنید و نه یگدیگر را به القاب زشت یاد کنید چه بد است یاد کردن کسی به فسق بعد از ایمان آوردنش و کسانی که توبه نکنند پس ایشان ستمگران اند.

الله جل جلاله در آیه مبارک از چند نوع کارها منع کرده است که از جمله عبثیات و مسخره ها میباشد و ما آنرا به ترتیب بیان میکنیم:

۱- لَا يَسْخَرُ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِنْ نِسَاءٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ:

کلمه (لَا يَسْخَرُ) از سخریه مشتق شده است، سخریه در حق یک شخص عبارت از آن کاری است که سبب خنده حاضرین میگردد که صورت های متعدد دارد که قرار ذیل بیان میگردد:

**الف:** به سخن کسی را توهین کرده شود و یا به آن تمسخر شود. **ب:** یا به اشاره چشم یا به دست و به حرکت دادن سر که حاضرین را به آن بخنداند. **ج:** به نوشتن و یا به (قواره) کردن مردم را بخنداند و مزاح و ریشخندی به آن صورت گیرد و غیره...

حافظ ابن کثیر در تفسیر این آیت میگوید: الله تعالی از مسخره کردن بالای مردم منع کرده است و مردم را مسخره کردن، تحقیر آنها شمرده شده و استهزاء نمودن بالای آنها است در حالیکه ممکن است مردمیکه با آنها تمسخر شده مردمان صاحب مرتبه بلند باشند نزد الله تعالی، و محبوب باشند به پروردگار نسبت به مسخره کنندگان .

امام طبری رح در تفسیر آیات سوره حجرات میگوید: (الله تعالی به طور عموم مومنان را از این منع کرده است که یکی دیگر را مسخره کنند و از تمام اشکال تمسخر منع کرده است و حلال نیست که یک مومن بالای دیگر مومن مزاح و تمسخر کند بخاطر فقر آن و یا بخاطر گناه آن و یا بخاطر دیگر وجوه) تفسیر طبری

مزاح و تمسخر کردن کار مردم بی دین است. قوم نوح علیه السلام به جور کردن کشتی نوح علیه السلام تمسخر و مزاح میکردند: (وَيَصْنَعُ الْفُلْكَ وَكَلَّمَا مَرَّ عَلَيْهِ مَلَأَ مِنْ قَوْمِهِ سَخِرُوا مِنْهُ قَالَ إِنْ تَسْخَرُوا مِنَّا فَإِنَّا نَسْخَرُ مِنْكُمْ كَمَا تَسْخَرُونَ). هود:

(۳۸)

ترجمه:- ونوح کشتی میساخت وهرگاه اشراف قومش بر وی میگذشتند اورا مسخره میکردند نوح میگفت: اگر مارا مسخره میکنید پس فردا ما شما را مسخره خواهیم کرد چنانچه شما مسخره میکنید.

صحابه کرام از تمسخر آنقدر خود را حفاظت میکردند که حضرت عبد الله ابن مسعود رضی الله عنه فرموده است:(وعن عبد الله بن مسعود: البلاء موکل بالقول، لو سخرت من کلب لخشیت أن أحول کلبا). تفسیر القرطبی (۱۶/ ۳۲۵)

از عبد الله بن مسعود رضی الله عنه روایت است او میفرماید: بلا وابسته به سخن است اگر من به سگ تمسخر کنم من میترسیم که از من سگ جور نشود.

عن عمرو بن شرحبیل: (لو رأیت رجلاً یرضع عنزاً فسخرت منه خشیت أن أکون مثله).

عمرو بن شرحبیل رح میفرماید: من اگر کسی را در حالت دوشیدن پستان بز ببینم و من به آن بخندم من میترسم که من مانند آن نشوم .

اکثر اوقات تمسخر و مزاح بخاطر این میشود که مردم به آن بخندند که این یک کار بیهوده و ناروا است باید مسلمان از آن خود داری کند. در حدیث شریف از برای اینطور اشخاص سه بار دعای هلاکت شده است و در حدیث شریف آمده است: (عَنْ بَهْزِ بْنِ حَكِيمٍ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ أَبِيهِ قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ -صلى الله عليه وسلم- يَقُولُ: وَيْلٌ لِلَّذِي يُحَدِّثُ فَيَكْذِبُ لِيُضْحِكَ بِهِ الْقَوْمَ وَيْلٌ لَهُ وَيْلٌ لَهُ). سنن أبي داود- ۴/ ۴۵۴

ترجمه:- از بهز ابن حکیم روایت است او میگوید: که برای من پدر من از پدر خود روایت نقل کرده است جد او میگوید که من از رسول الله صلی الله علیه وسلم شنیده ام که ایشان فرمودند: هلاکت باد بر آن شخصیکه صحبت میکند و در آن دروغ میگوید بخاطر اینکه مردم بخندند، هلاکت باد بر وی هلاکت باد بر وی.

در یک حدیث شریف آمده است: (عَنْ عَائِشَةَ أَنَّهَا حَكَتْ امْرَأَةً فَقَالَ لَهَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا أَحْبُّ أَنْيَّ حَكَيْتُ أَحَدًا وَأَنْ لِي كَذَا وَكَذَا). مسند أحمد ۴۱/ ۵۰۰، سنن الترمذی

ترجمه:- از حضرت عائشه رضی الله عنها روایت است که عائشه رضی الله عنها از زنی حکایت کرد و رسول الله صلی الله علیه وسلم به او فرمودند: من خوش ندارم که از کسی حکایت کنم، اگر چه از برای من مال دنیوی هر اندازه داده شود.

در مزاح و تمسخر به طور عموم سخنانی میباشد که سبب غضب پروردگار میگردد و کسیکه این چنین سخنان ناروا را بگوید گوینده آن به جهنم داخل میشود. در حدیث شریف آمده است: (عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ ، قَالَ : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ : إِنْ الرَّجُلُ لِيَتَكَلَّمَ بِالْكَلِمَةِ مِنْ سَخَطِ اللَّهِ لَا يَرَى بِهَا بَأْسًا لِيُضْحِكَ بِهَا أَصْحَابَهُ فِيهِوِي بِهَا فِي جَهَنَّمَ سَبْعِينَ خَرِيفًا). مسند البزار ۲/ ۴۴۳، والترمذی

ترجمه:- از ابوهریره رضی الله عنه روایت است او میگوید که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده اند: یقیناً شخصی یک سخن را میگوید که به آن سخن او الله تعالی غضب میشود و او به این سخن خود باک نمی کند و او این سخن را بخاطر خنداندن رفقای خود میگوید؛ پس می افتد این شخص بخاطر این سخن خود هفتاد سال در جهنم.

و دریک روایت آمده است: (عن عائشة رضي الله عنها قالت : مر رجل مصاب على نسوة فتضاحكن به يسخرن ، فأصيب بعضهم). الأدب المفرد (ص: ۲۰۹)

از حضرت عائشه رضي الله عنها روایت است او میگوید: شخص مصیبت زده به زنها گذر کرد و زنها بالای او خندیدند و او را تمسخر کردند، به بعضی از آن زنها مصیبت رسید.

عن وهب بن منبه قال ان أعظم الذنوب عند الله بعد الشرك بالله السخرية بالناس). حلیة الأولیاء (٤ / ٥١)

ترجمه:- از وهب بن منبه رحمه الله روایت است او میگوید: یقیناً بعد از شرک گناه بزرگ به نزد پروردگار تمسخر کردن به مردم هست.

به کسی بخاطر غربت و فقر آن مزاح و مسخره کردن مناسب نیست زیرا که ممکن است این مرد فقیر و غریب به نزد پروردگار نسبت به مرد سرمایه دار بهتر باشد. طوریکه در حدیث شریف آمده است: (عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ -صلى الله عليه وسلم- قَالَ: رَبُّ أَشْعَثَ مَدْفُوعٍ بِالْأَبْوَابِ لَوْ أَقْسَمَ عَلَى اللَّهِ لِأَبْرَهُ). صحیح مسلم ٨ / ٣٦

ترجمه:- از ابوهریره رضی الله عنه روایت است او میگوید که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: بسا اوقات مردمان ژولیده موی و رانده شده از دروازه ها طوری اند که اگر روی اعتماد به الله تعالی در کاری قسم بخورند الله تعالی آنها را در قسم بری میگرداند یعنی (قسم آنها را برآورده میسازد).

فائده: بعضی بندگان الله تعالی که در ظاهر ذلیل و بد معلوم میشوند که مردم آنها را از دروازه های خود می رانند ولی در باطن اینطور پاک اند که الله تعالی هر وقت خواسته آنها را منظور میکند. ولی این هم مناسب نیست که خلاف شرع به مردم عوام و فقیر اعتماد ولی و قطب را بکنیم زیرا که نبی علیه السلام در این حدیث بعضی افراد بد شکل و عاجز را مقبول فرموده است و این را نگفته است که شراب خور، فاسق، فاجر و کوتاه ریش هم اینچنین باشند.

واقعه: در قسم حضرت بلال که صبح طلوع میکند: در مسند فردوسی یک واقعه ذکر شده است که یکبار حضرت بلال رضی الله عنه در ماه رمضان در انتظار آذان صبح بود که صبح طلوع کند و آذان بگوید، از طرف دیگر رسول الله صلی الله علیه وسلم در همان شب در سحری خرما میخوردند حضرت بلال مطابق تجربه خود به نبی علیه السلام عرض کرد شما خوراک را بند کنید که صبح طلوع کرد ولی نبی علیه السلام به سخن او توجه نکرد و به خوردن خرما ادامه داد و حضرت بلال دوباره عرض کرد! حضرت! خوراک را بند کنید صبح طلوع کرد و نبی علیه السلام باز هم به خوردن ادامه داد، در مرحله سوم حضرت بلال رضی الله عنه عرض کرد که قسم به الله صبح طلوع کرد شما خوراک را بند کنید نبی علیه الصلاة والسلام خوراک خود را بند کرد و به صحابه کرام هم فرمودند که خوراک را بند کنید صبح طلوع کرده، صحابه کرام پرسیدند که یا رسول الله ما به این نفهمیدیم که در سخن دوم و سوم آنقدر وقت زیادی تیر نشده بود در حالیکه در مرتبه دوم شمار خوراک می نمودید و در مرتبه سوم شما خوراک را بند کردید، و فرمودید که صبح طلوع کرده است پس نبی علیه السلام به او گفت: در حقیقت صبح طلوع نکرده بود ولی وقتی که بلال قسم خورد که صبح طلوع کرد. الله تعالی بخاطر قسم بلال صبح را بلند کرد تا اینکه بنده من بلال در قسم خوردن خود حانت نشود.

٢- وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ: قال القرطبي: (اللمز: العيب، وقد مضى- في " براءة " عند قوله تعالى: (ومنهم من يلْمِزك في الصدقات) [ التوبة: ٥٨ ]. وقال الطبري اللمز باليد والعين واللسان والاشارة، والهمز لا يكون إلا باللسان). تفسیر القرطبي (١٦ / ٣٢٧)

ترجمه:- امام قرطبي میگوید: لمز: عیب را گفته میشود طوریکه در سوره براءت تیر شد: (ومنهم من يلْمِزك في الصدقات)

امام طبری میگوید: عیب گفتن به دست هم صورت میگیرد و به اشاره چشم هم میشود و به طور دیگری هم صورت میگیرد (همز) تنها عیب گفتن به زبان است.

حافظ ابن کثیر میگوید: (والهماز اللماز من الرجال مذموم ملعون كما قال تعالى: {وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ}. تفسیر ابن کثیر ۴/ ۲۵۶)

ترجمه: - عیب گویندگان به زبان و عیب بیان کننده گان بدست و به چشم و به اشاره مردم مذموم و بد و ملعون اند طوری که الله تعالی فرموده است: {وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ}. وای برای هر انسانی عیب جو به زبان، دست و اشاره کننده.

۳- وَلَا تَنَابَزُوا بِاللِّقَابِ: (ولا تداعوا باللقاب). تفسیر الطبری ۲۲/ ۲۹۹

مراد از این آیت این است که شما یکی دیگر را به القاب بد آواز نکنید؛ مانند: ای کور! ای شل! ای لنگ! ای سیاه! ای فاسق! ای زنا کار! ای قد پست! و غیره...

امام قرطبی در ذیل این آیت مینویسد: (المعنى أن من لقب أخاه أو سخر منه فهو فاسق... فمن فعل ما نهى الله عنه من السخرية والهمز والتبذير فذلك فسوق، وذلك لا يجوز). تفسیر القرطبی ۱۶/ ۳۲۸

معنی این آیت این است که کسی برادر خود را به لقب بد یاد کند و یا به او بخندد پس او فاسق است، کسیکه کارهای را انجام میدهد که الله تعالی از آن منع کرده است از قبیل تمسخر، عیب جوئی پس این فسق و ناجائز است. باز الله تعالی این کارها را به الفاظ شدید مذمت آنرا بیان کرده و فرموده است: {يَسَّ الْأَسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَمَنْ لَمْ يَتُبْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ}.

علامه الوسی در این ارتباط نوشته است: (وهو ذم على اجتماع الفسق وهو ارتكاب التنازع والإيمان على معنى لا ينبغي أن يجتمعا فإن الإيمان بأبي الفسق). روح المعانی ۲۶/ ۱۵۵

ترجمه: - این مذمت است که فسق عبارت از ارتکاب القاب بد و ایمان با هم جمع شوند این بدان معنی است که مناسب نیست که هر دو با هم جمع شوند زیرا که ایمان فسق را نمی خواهد.

در آیات فوق از تمام آن موارد کارها و گفتارها منع آمده است که باعث تمسخر، بیهودگی و عبثیات میشود که امروز مردم بر آن مبتلا اند و هیچ باکی به آن ندارند.

هر آن کارهایی که بیهوده و عبث اند قرآن کریم از آن به کلمه (لغو) تعبیر کرده است و فرموده است که آن مومنان کامیاب اند که از کارهای لاهو و لعب خود داری کنند. الله تعالی میفرماید: {وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ}. المؤمنون: (۳) ترجمه: آنانی که از لغو (سخنان و کارها) روی گردان اند.

امام قتاده رحمه الله در تعریف میگوید: (قال قتادة: كل كلام أو عمل لا يحتاج إليه فهو لغو). بحر العلوم للسمرقندي (۲/ ۴۷۳). هر آن گفتار و کاری که به آن ضرورت نباشد، در لغو شامل است.

در شریعت اسلام انسان باید طوری سخن بگوید که بر آن ضرورت باشد و یا کدام فائده داشته باشد و یا کدام فائده دنیوی و اخروی بر آن مرتب باشد، علاوه بر این سخن گفتن بی فائده عبث و سخنان بیهوده است و مسلمان باید کوشش کند که از سخنان عبث، بیهوده و بی فائده خود را حفاظت کند. در باره سخنان عبث و بیهوده در حدیث شریف آمده است: (عَنْ أَبِي

هُرَيْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ -صلى الله عليه وسلم- : إِنَّ اللَّهَ يَرْضَى لَكُمْ ثَلَاثًا وَيَكْرَهُ لَكُمْ ثَلَاثًا فَيَرْضَى لَكُمْ أَنْ تَعْبُدُوهُ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَأَنْ تَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفْرُقُوا وَيَكْرَهُ لَكُمْ قِيلَ وَقَالَ وَكَثْرَةَ السُّؤَالِ وَإِضَاعَةَ الْمَالِ (صحیح مسلم ۱۳۰/۵)

ترجمه:- از ابو هریره رضي الله عنه روایت است او میگوید که رسول الله صلى الله عليه وسلم فرمودند: یقیناً الله تعالى خوش دارد از برای شما سه چیز را و بد می شمارد از برای شما سه چیز را. خوش دارد از برای شما که شما او را عبادت کنید و به او هیچ چیزی را شریک نیاورید و دیگر اینکه شما همه چنگ بزنید به رسن الله (قرآن) و اختلاف مکنید و بد می پندارد از برای شما قیل و قال را و زیاد سوال کردن را و ضایع نمودن مال را .

علامه ابن حجر رح میگوید: که مقصد حدیث این است که نبی علیه السلام منع کرده است از زیاد سخن گفتنی که در آن فائده نباشد. فتح الباری لابن حجر (۲۹۷/۱۸)

عبث و بیهوده آن سخنی را گفته میشود که کدام فائده ای بر آن مرتب نباشد. از این چنین سخنها در شریعت منع شده است و زیاد صحبت کردن سخنان بیهوده قلب را سخت میکند. و در حدیث شریف آمده است: (عن ابن عمر رضي الله عنهما قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ -صلى الله عليه وسلم- لَا تَكْثِرُوا الْكَلَامَ بِغَيْرِ ذِكْرِ اللَّهِ؛ فَإِنَّ كَثْرَةَ الْكَلَامِ بِغَيْرِ ذِكْرِ اللَّهِ تَعَالَى قَسْوَةٌ لِلْقَلْبِ! وَإِنَّ أْبْعَدَ النَّاسِ مِنَ اللَّهِ تَعَالَى الْقَلْبُ الْقَاسِي). رواه الترمذي. از عبد الله ابن عمر رضي الله عنه روایت است او میگوید که رسول الله صلى الله عليه وسلم فرمودند: زیاد صحبت مکنید بغیر از ذکر الله، یقیناً بغیر از ذکر الله زیاد سخن گفتن باعث سختی قلب است و یقیناً در بین مردم دور از پروردگار صاحبان قلب های سخت اند.

سخنان بیهوده و غیر ضروری را ترک کردن صفت مسلمان است در حدیث شریف آمده است: (عن أبي هريرة رضي الله عنه قال : قال رسول الله صلى الله عليه وسلم : مِنْ حُسْنِ إِسْلَامِ الْمَرْءِ تَرْكُهُ مَا لَا يَغْنِيهِ). الموطأ و الترمذي

ترجمه:- از ابوهریره رضي الله عنه روایت است او میگوید: که رسول الله صلى الله عليه وسلم فرمودند: از جمله خصلت بهتر اسلام یک مسلمان این است که ترک کند آنچه را که در آن فائده نباشد.

سخنان بیهوده و عبث انسان نوشته میشود و مناسب نیست که دفتر اعمال خود را به آن سخنانی پرکنیم که به عوض فائده در دنیا و آخرت به انسان زیان برساند. الله تعالى میفرماید: (مَا يُلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ). ق : ۱۸

ترجمه:- بنده هیچ سخنی را (تلفظ نمی کند) مگر اینکه نزد او فرشته ای مراقب و آماده نوشتن و ثبت آن است. یعنی هیچ سخنی نمی گوید مگر اینکه همه سخنان او نوشته میشود.

و در یک حدیث شریف آمده است: (عَنْ سُفْيَانَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الثَّقَفِيِّ قَالَ قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا أَخَوْفُ مَا تَخَافُ عَلَيَّ فَأَخَذَ بِلِسَانِ نَفْسِهِ ثُمَّ قَالَ هَذَا). سنن الترمذي (۴/ ۶۰۷)

ترجمه:- از حضرت سفیان بن عبد الله ثقفی روایت است او میگوید که من گفتم: یا رسول الله! کدام چیزهایی را که از برای من ترساننده می شمارید در بین آنها زیاد ترساننده تر چه است، به شنیدن این سخن رسول الله صلى الله عليه وسلم زبان مبارک خود را گرفته و فرمودند: این است.

از رهنمود های اسلام یکی این است که مسلمان باید یا سخن خیر بگوید یا خاموش باشد. (عن أبي هريرة رضي الله عنه قال : قال رسول الله صلى الله عليه وسلم : مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلَا يُوذُّ جَارَهُ، مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلْيُكْرِمْ صَيفَهُ، وَمَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ: فَلْيُكَلِّمْ خَيْرًا أَوْ لِيَصْمِتْ) . متفق عليه

ترجمه:- از ابوهریره رضي الله عنه روایت است که رسول الله صلى الله عليه وسلم فرمودند: کسیکه به الله وروز آخرت ایمان دارد باید به همسایه خود ضرر نرساند وکسیکه به الله وروز آخرت ایمان دارد باید مهمان خود را احترام و قدر کند، وکسیکه به الله وروز آخرت ایمان دارد سخن نیک بگوید ویا خاموش باشد.

سخنان بیهوده وعبث مانع از دخول جنت میگردد. در یک حدیث شریف آمده است: (عن أنس رضي الله عنه قال : « تُوْفِي رَجُلٌ مِنْ أَصْحَابِهِ فَقَالَ يَعْنِي رَجُلٌ أَبْشَرُ بِالْجَنَّةِ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ : أَوْلَا تَدْرِي، فَلَعَلَّهُ تَكَلَّمَ فِيمَا لَا يَعْنِيهِ، أَوْ بَخَلَ بِمَا لَا يَنْقُصُهُ) . سنن الترمذي (٤/٥٥٨)

ترجمه:- از انس رضي الله عنه روایت است که میگوید: از جمله اصحاب یک شخص وفات کرد، باز گفته شد: یعنی یک شخصی گفت: بشارت باد به جنت، پس رسول الله صلى الله عليه وسلم فرمودند: آیا نمی دانید ممکن است که او سخن بی فائده و بیهوده گفته باشد ویا در پول و ثروت او که از ضرورت آن زیاد بوده بخل کرده باشد.

### زیانهای تمسخر و مزاح:

۱. زیاد مزاح کردن از مزاح کننده مروت و انسانیت را می برد.
۲. به نزد اطفال مزاح کردن هیبت مزاح کننده را از بین می برد و به نزد اطفال سبک و بی عزت میشود.
۳. مزاح کردن بی عزتی و ذلت را به بارمی آورد، بزرگ و شوکت را از بین می برد.
۴. مزاح های بد و تمسخر کردن رفاقت خوب را از بین می برد یعنی رفقای او از او جدا میشوند.
۵. مزاح های بد تخم دشمنی است و در بین مردم دشمنی را ایجاد میکند.
۶. مزاح روشنائی چهره را از بین می برد یعنی بی آبرو میشود .
۷. شخص مزاحی و تمسخر کننده بعد از عزت ذلیل میگردد.
۸. مزاح و تمسخر کردن اطفال را جرأت مند میکند بالای شخص مزاح کننده .
۹. مزاح کننده در بین مردم بی عزت و حقیر میباشد.
۱۰. مسخره کننده در بین مردم دروغ گو و بی اعتماد شمرده میشود.

۱۱. مزاح های بد قلب مزاح کننده را سخت میکند و به عبارت دیگر قلب او سیاه میشود.

۱۲. مزاح کردن زیاد کینه و حسد را به بار می آورد و مردم به او حسد و کینه میکنند.

۱۳. از همه بزرگتر زیان این است که مزاح های بد و قبیح سبب دخول جهنم میگردد.

۱۴. و در اخیر از جمله سخنان حضرت عمر رضی الله عنه که میگوید: کسیکه بسیار مزاح میکند آن شخص در نظر مردم سبک و بی ارزش میشود.

۱۵. مزاح و تمسخر دلالت به جهل مزاح کننده میکند.